

بررسی تأثیر نوع شخصیت زبان آموز بر میزان پیشرفت او در مهارت درک مطلب در زبان انگلیسی

شاپور میرزائی قزل گونی^۱، حجت‌الله هزاریان^۲ و منوچهر عموزاده^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی دانشگاه محقق اردبیلی

mirzaeishapour@gmail.com

۲. کارشناس ارشد تاریخ ایران باستان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر

h.1400hezarian@gmail.com

۳. کارشناس ارشد زبان انگلیسی گرایش آموزش زبان انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند

Manoochehr.amoozadeh@gmail.com

چکیده

زبان‌آموزی هر چند که آموزشی است شبیه دیگر آموزش‌ها و باید مطابق فنون آموزش به آن نگریسته و سنجیده شود، اما حقیقت آن است که به سبب آمیزش عمیق و شدید پدیده زبان با روان بشر، زبان‌آموزی نیز پیوندی عمیق و ناگسستنی با مسائل روان‌شناختی و از جمله مسائل مربوط به شخصیت زبان‌آموز دارد هرچند که فنون کلی آموزش زبان، کمابیش در بین همه انسان‌ها و آموزندگان یکسان است و صدق می‌کند، اما تیپ‌های مختلف شخصیتی در پیشرفت و توفیق زبان‌آموزی تأثیر جدی دارند و به همین سبب می‌توان در آستانه دوران آموزش زبان، زبان‌آموزان را با آزمون‌های حساب‌شده و علمی مربوط به شخصیت به گروه‌های متفاوتی تقسیم کرد و آنها را برحسب انگیزه، هراس، فعالیت و بیش‌فعالی، کم‌رویی و دیگر ویژگی‌های شخصیتی به گونه‌های و دسته‌های متفاوتی بخش کرد و اگرچه کماکان کلیات فنون زبان‌آموزی درباره همه آنها صدق می‌کند اما در جزئیات، آموزش‌های متفاوتی را برای آنها در نظر گرفت. در این مقاله بر آنیم که با بررسی ظرفیت‌های حاصل از تفاوت شخصیت زبان‌آموزان به مسئله زبان‌آموزی در آنها پرداخته شود. شیوه این مقاله ترکیبی از دو شیوه توصیفی و تحلیلی است و داده‌ها مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای است.

کلیدواژه‌ها: زبان، زبان انگلیسی، زبان‌آموزی، شخصیت، روان‌شناسی.

۱- مقدمه

زبان‌آموزی ارتباط تنگاتنگی با انگیزه‌های ناشی از نوع شخصیت زبان‌آموز دارد و تفکیک آموزش زبان و انگیزه‌های شخصیتی ممکن نیست. از نظر لغوی، انگیزه اسم است و انگیزش، اسم مصدر از مصدر انگیختن و انگیختن نیز به معنای به حرکت در آوردن است (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «انگیختن»). برای انگیزش تعریف‌های فراوانی وجود دارد زیرا انگیزش مفهوم وسیعی را در بر می‌گیرد. این مفهوم چندین واژه دیگر را که توصیف‌کننده عوامل مؤثر در انرژی و هدایت رفتار ماست نظیر نیازها، علایق، ارزش‌ها، گرایش‌ها، اشتیاق‌ها و مشوق‌ها در برمی‌گیرد. با این که تعریف ثابتی از انگیزش در دست نیست، اما روان‌شناسان بر این باورند که انگیزه عاملی است درونی که از شخصیت فرد سرچشمه می‌گیرد و رفتار فرد را در جهت معینی هدایت می‌کند و برای گزینش کوششی از میان کوشش‌های ارادی وی راهنمای اوست (افروز، ۱۳۷۳: ۳۲).

ادامهٔ حیات در زندگی انسان و تلاش برای داشتن زندگی هر چه بهتر، پیشرفت و ترقی تحت تأثیر مقولهٔ انگیزه است. با در نظر گرفتن این مهم، می‌توان ایجاد یا تقویت انگیزه را یکی از راه‌های اصلی برای برطرف کردن مشکلات یادگیری زبان دوم (خارجی) در میان زبان‌آموزان دانست. روان‌شناسان شخصیت و انگیزه‌های برآمده از شخصیت را به دو مقولهٔ بیرونی و درونی تقسیم می‌کنند. انگیزهٔ درونی، گرایشی است ذاتی و فطری که به طور خودجوش از تمایلات روان‌شناختی، نیازهای درونی، کنجکاوی‌ها و تلاش‌های فطری شخص سرچشمه می‌گیرد، انگیزش درونی ناشی از علاقه و احساسی است که فعالیت خاصی ایجاد می‌کند و گاهی به خاطر لذتی است که از انجام کاری محقق می‌شود. در خصوص انگیزش درونی و بیرونی برخاسته از شخصیت ارائه می‌نماید (کارشکی، ۱۳۸۷: ۴۶).

انگیزش درونی، گرایش فطری پرداختن به تمایلات و به کار بردن توانایی‌ها و در انجام این کار، جستجو کردن چالش‌های بهینه و تسلط یافتن بر آن‌ها است. انگیزش درونی به طور خودانگیخته از نیازهای روان‌شناختی، کنجکاوی و تلاش‌های فطری برای رشد، حاصل می‌شود. انگیزش بیرونی نیز همان رویدادهای بیرونی و مشوق‌های محیطی هستند که توانایی نیرومند و هدایت کردن رفتار را دارند و نه تنها محرک‌های محیطی خاص را شامل می‌شوند، بلکه موقعیت‌های کلی‌تر مانند آنهایی که در کلاس، خانواده و پدیدار می‌شوند را نیز در بر می‌گیرند (رحیم‌پور، ۱۳۸۷: ۵۷).

۱-۱- بیان مسئله

مسئلهٔ اصلی این مقاله آن است که شخصیت افراد و انگیزش‌های برخاسته از نوع شخصیت چه تأثیری در آموزش و بویژه آموزش زبان دارد. در تعریف شخصیت باید گفت که شخصیت هر انسان ترکیبی از ویژگی‌های منحصر به فرد است که تمامی جوانب زندگی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اما آیا امکان تغییر شخصیت وجود دارد؟ به عنوان مثال آیا یک فرد عصبی، می‌تواند خشم خود را فرونشاند یا یک فرد خجالتی آیا می‌تواند به سخنوری قهار تبدیل شود؟ سوالاتی که در مورد شخصیت وجود دارد از گذشته‌های دور همواره آدمی را به چالش کشانده است، چرا که انسان موجودی پیچیده است و به راحتی نمی‌توان او را پیش بینی کرد. درحالی که انسان می‌تواند با شناخت ابعادی از شخصیت خود به خودشناسی و کمال برسد. شخصیت ویژگی نسبتاً پایداری از رفتار، هیجان و نحوه تفکر است و سبک خاص هر فردی را در ارتباط با دنیای درونی و نحوه تعامل با محیط اجتماعی‌اش شکل می‌دهد (رحیم‌پور، ۱۳۸۷: ۵۷). شخصیت هر فردی منحصر به او، با ثبات و قابل پیش بینی است. برای مثل درون‌گرایی و برون‌گرایی از ویژگی‌های پایدار شخصیت هستند. شخصیت تحت تأثیر وراثت، محیط، عوامل اجتماعی و زیستی شکل می‌گیرد. هر فردی با ویژگی‌های منحصر به فرد ژنتیکی متولد می‌شود، اما محیط و شیوه فرزندپروری نیز نقش اساسی در شکل‌گیری شخصیت فرد ایفا می‌کنند. بعد فرهنگی هر جامعه نیز در شکل‌گیری شخصیت فرد نقش اساسی دارد. در این پژوهش قصد داریم نقش عوامل انگیزشی شخصیت دانش‌آموزان و خودهای ممکن انگیزشی و همچنین تأثیر متقابل این عناصر را برهم، در یادگیری زبان دوم و خارجی، مطرح و در این زمینه مورد بررسی قرار دهیم.

۱-۲- پیشینهٔ تحقیق

دربارهٔ تأثیر شخصیت و انگیزه‌های برخاسته از شخصیت در آموز زبانی و زبان‌آموزی، پژوهشی‌هایی چند شده‌است که برخی از آن‌ها عبارتند از:

- گشمردی، محمودرضا. (۱۳۸۸). «ویژگی های یادگیری زبان خارجی توسط فراگیران بزرگسال». *مجله پژوهش زبان های خارجی*. شماره ۵۳. صفحه ۱۰۷-۱۱۹. در چکیده این مقاله آمده است: در روش های جدید تدریس، به نظر متخصصین آموزش زبان، فراگیر در مرکز توجه فرایند آموزش و یادگیر قرار دارد. در هر رشته آموزشی، مدرسین باید توجه خاصی به ویژگی های فراگیران مبذول نمایند. بطور کلی اگر بخواهیم فراگیران را به گروه های مختلف تقسیم کنیم، یک گروه از فراگیران زبان های خارجی بزرگسالان هستند چه در آموزش رسمی در چهار چوب دانشگاه و چه در آموزش غیر رسمی در آموزشگاه های زبان. فراگیران بزرگسال را از جنبه های قانونی، اجتماعی و روان شناختی می توان تعریف کرد. مفهوم روان شناختی بیشتر مورد توجه ماست و بطور مستقیم به آموزش زبان های خارجی مربوط می شود. لازم به ذکر نیست که خصوصیات بزرگسالانی که زبان خارجی فرا می گیرند از خصوصیات سایر بزرگسالان در دیگر موقعیت های یادگیر کاملاً متفاوت نیست. اگر موفق به شناخت ویژگی های فراگیران بزرگسال شویم، قادر به درک فرایند یادگیری شان نیز خواهیم شد. به این ترتیب نخست تلاش خواهیم کرد تعریف های گوناگون بزرگسال را ارایه کنیم و سپس ویژگی های یادگیری آنها را بررسی نماییم.

- همایونی، سارا. (۱۳۹۷). «نقش ویژگی های شخصیتی در یادگیری زبان انگلیسی». *پنجمین همایش ملی روان شناسی مدرسه*. هدف این پژوهش بررسی نقش ویژگی های شخصیتی در یادگیری زبان انگلیسی بود. روش تحقیق از نوع توصیفی و کتابخانه ای بود. بررسی پیشینه ها نشان داد یکی از عوامل مهم تاثیرگذار در محیط های اجتماعی و آموزشی ویژگی های شخصیتی است. از ابعاد مهم ویژگی های شخصیتی روان آزرده گرای، توافق جویی، گشودگی نسبت به تجربه و فرهنگ های جدید، و برونگردی است. بررسی یافته های پژوهشی محققان مختلف (نیجه ایس، سیجز و گیجسلرز، ۲۰۰۷؛ دیوایل، ۲۰۱۳؛ فلت و هویت، ۲۰۱۶؛ همایونی، ۲۰۱۹؛ شیخ طاهری، ۱۳۹۱) نشان داده اند افرادی که دارای نمره بالا در روان آزرده گرای هستند افرادی هستند که از نظر عاطفی بی ثبات اند، احساسات منفی همچون، ترس، غم، برانگیختگی، خشم دارند، و به آسانی نمیتوانند بدون برآشفتگی با مشکل رفتاری و استرس زا مواجه شوند (کاستاو مک کری، ۱۹۹۲) بنابراین بالا بودن این ویژگی روان شناختی موجب کاهش یادگیری زبان انگلیسی میشود. افراد با ویژگی های شخصیتی توافق جویی و گشودگی نسبت به تجربه ها و فرهنگ های جدید، و برونگردی افرادی اجتماعی هستند. آنها علاوه بر دوست داشتن دیگران، ترجیح اجتماعات و مهمانیها، فعال و اهل گفتگو با افراد از زمینه های اجتماعی و فرهنگی مختلف بوده و هیجان را دوست دارند. درس زبان دارای ویژگی های گوناگون و متنوعی از لحاظ آموزشی است مانند درک مطلب، مفاهیم زبان شناختی و اجتماعی و ملاحظات فرهنگی است، افراد با نمره بالاتر در این ویژگیها زبان انگلیسی را خوب فرامیگیرند. بنابراین پیشنهاد میشود معلم زبان ویژگی های شخصیتی و تفاوت های فردی را در تدریس خود در نظر گیرد.

- رحیم پور، مسعود. (۱۳۸۷). «کاوشی در تاثیر جنسیت و موضوع بر کنش گفتاری فراگیران زبان انگلیسی». *نشریه مطالعات و پژوهش های دانشکده ادبیات و علوم انسانی*. شماره ۵۲. صص ۴۵-۶۱. در سالهای اخیر مقوله آموزش زبان شاهد دگرگونیهای مهمی در عرصه های نظری و عملی بوده است که در نتیجه این دگرگونیها، مهارتهای ارتباطی و کاربردی زبان بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته اند. نمونه بارز این تحولات، رویکرد فعلیت محور به امر زبان آموزی است که در چهارچوب آن ابعاد مختلف رفتار زبانی فراگیران مورد توجه قرار می گیرد. از جمله این ابعاد می توان به تاثیر ماهیت فعلیت زبانی و گفتار زبان آموزان اشاره نمود. هدف عمده این مقاله بررسی تاثیر متغیر های جنسیت فراگیر، جنسیت معلم و موضوع گفتار بر کنش گفتاری فراگیران زبان انگلیسی است. جمعیت آماری مطالعه، شامل ۲۰ مرد و ۲۰ زن فراگیر زبان بوده است که تنوع پذیری گفتار آنان از لحاظ روانی کلام، پیچیدگی و درستی دستوری گفتار آنان در ارتباط با جنسیت معلم، جنسیت خود فراگیر و موضوع گفتار بررسی شده است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده ها نشان دهنده تفاوت های معنادار آماری در موارد زیر است: الف) هر یک از متغیرهای جنسیت معلم و نوع موضوع بر روان بودن کلام تاثیرگذار است؛ ب) نوع موضوع در پیچیدگی گفتار زبان آموزان مؤثر است و ج) هر یک از متغیرهای جنسیت معلم و جنسیت فراگیر به طور جداگانه، هر دو عامل اخیر در ارتباط با یکدیگر و هر سه متغیر جنسیت معلم، جنسیت فراگیر و نوع موضوع بر درستی گفتاری زبان آموزان تاثیر دارد. نتایج تحقیق و کاربرد آن در امر فراگیری و آموزش زبان انگلیسی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

۳-۱- ضرورت و اهمیت تحقیق

با توجه به اهمیت فوق‌العاده‌ای که زبان در حیات بشر دارد و همهٔ ساحت‌های اندیشه، تمدن، فرهنگ و ادب و هنر تحت سیطرل آن هستند و حتی به تعبیر برخی از فلاسفه، انسان در درون زبان خویش زندگی می‌کند، بنابراین موجودیت زبان و نیز بررسی آن دارای اهمیت فراوان است و برای ارتقا و بهبود زندگانی بشر، هرگونه شناخت زبان کاربست آن دارای ضرورت است. همچنین انسان تحت سیطرهٔ روان خویش است و شناخت شخصیت انسان و انواع این شخصیت و انگیزه‌های برخاسته از آن می‌تواند در بهبود فعالیت‌های انسان از جمله در حوزهٔ زبان‌آموزی موثر و مفید باشد.

۲- بحث

۲-۱- تعریف شخصیت

شخصیت (personality) از کلمه لاتین persona گرفته شده است. این واژه به نقابی اشاره دارد که هنرپیشه‌ها در نمایش خود از آن استفاده می‌کردند. در مطالعات روان‌شناسی، «شخصیت» یک مفهوم اساسی است. شخصیت به تفاوت‌های فردی در الگوهای مشخص تفکر، احساس و رفتار اشاره دارد. مطالعه شخصیت بر دو حیطة عمده تمرکز دارد. یک حوزه، درک تفاوت‌های فردی در ویژگی‌های شخصیتی مانند توانایی تعامل اجتماعی و تحریک‌پذیری می‌باشد. حوزه دیگر درک این موضوع است که اجزای مختلف شخصیت چگونه در قالب یک مجموعه دور هم گرد می‌آیند (زاهدی و فخری، ۱۳۹۴: ۴۱). نظریه‌پردازان مختلف، تعاریف مختلفی از شخصیت ارائه داده‌اند و بر یک تعریف مشخص، اتفاق نظر ندارند. اما با توجه به نظر اکثریت می‌توان گفت که شخصیت، الگوی صفات نسبتاً دائمی و ویژگی‌های منحصر به فرد است که به رفتار فرد، ثبات و فردیت می‌بخشد. این تعریف دو جنبه اصلی را مشخص می‌سازد:

- ویژگی‌های بادوام: صفات به ثبات رفتار در طول زمان و پایداری رفتار در موقعیت‌های مختلف، کمک می‌کنند.
- ویژگی‌های منحصر به فرد: صفات ممکن است در برخی گروه‌ها مشترک بوده یا کل اعضا در آن سهیم باشند. اما الگوی آن‌ها برای هر فرد، متفاوت است (همان: ۳۴).

۲-۲- تاریخچهٔ شخصیت

تاریخچه شخصیت را می‌توان در ابتدا به فلاسفه نسبت داد. متفکران، فلاسفه و افراد زیادی در طول زمان، سعی در فهم ماهیت انسان و پاسخ دادن به سؤالات حول محور انسان بودند. اما تا آخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، پیشرفت چندانی در این امر به دست نیامده بود. اما در این زمان، زیگموند فروید با استفاده از مشاهدات بالینی خویش، نظریه‌ای مدرن و بزرگ را مطرح نمود که سعی داشت کل شخصیت را در تمام افراد، توضیح دهد. از آن به بعد نظریه‌پردازان زیادی درباره شخصیت سخن گفته‌اند و بر جنبه‌های متنوع آن، متمرکز شده‌اند (گشمردی، ۱۳۸۸: ۳۲).

۳-۲- دیدگاه روان‌کاوی دربارهٔ شخصیت

فروید اولین کسی بود که نظریه‌ای جامع درباره شخصیت ارائه داد. او در ابتدا، سه سطحی که شخصیت در آن عمل می‌کند را معرفی نمود: هشیار، نیمه‌هشیار و ناهشیار. هشیار شامل احساسات و تجربیاتی می‌شود که در لحظه‌ای خاص از آن آگاه هستیم. از نظر فروید، قسمت کوچکی از ذهن در سطح هشیار بود. قسمت اعظم ذهن در سطح ناهشیار بود که مخزن غرایز، نیروی سوق‌دهنده رفتار و امیالی که رفتار ما را هدایت می‌کنند، در آن حضور داشت. این قسمت را نمی‌توانیم ببینیم و کنترل کنیم. عمده تمرکز نظریه روان‌کاوی فروید، روی این سطح تمرکز داشت. نیمه‌هشیار نیز شامل خاطرات، افکار و احساساتی بود که در لحظه از آن آگاه نیستیم اما می‌توان به راحتی آن‌ها را به سطح هشیار آورد (کارشکی، ۱۳۸۷: ۸۱). اما فروید در سال‌های بعد، ساختارهای شخصیت را نیز مشخص ساخت. او ساختار شخصیت را به سه عنصر نهاد (Id)، خود (Ego) و فراخود (Super Ego) تقسیم کرد. نهاد مخزن غرایز و لیبدو (انرژی روانی) است و تماماً ناهشیار است. این قسمت، قدرتمندترین ساختار شخصیت بوده و انرژی دو بخش دیگر را نیز تأمین می‌کند. خود، تنها حوزه ذهن است که با واقعیت ارتباط دارد و در کودکی، از نهاد به وجود می‌آید. فراخود از خود به وجود می‌آید و بیانگر جنبه‌های اخلاقی و آرمانی شخصیت است. تعامل این ساختارها با یکدیگر افکار و احساسات ما را شکل می‌دهند (رحیم‌پور، ۱۳۸۷: ۵۹).

۴-۲- دیدگاه وجودی درباره شخصیت

در رویکرد وجودی از فلسفه وجودی الهام گرفته بودند. مهمترین فیلسوفان وجودی سورن کی‌یرکگارد، فردریش نیچه، مارتین هایدگر و ژان پل سارتر هستند. در واقع رویکرد وجودی به نوعی معادل اروپایی رویکرد انسان‌گرایی است که در آمریکا مطرح شده بود. در این رویکرد، باور بر این است که خیلی از افراد جرأت ندارند با سرنوشت خود، مواجه شوند. و در جریان گریختن از آن، میزان زیادی از آزادی خود را از دست می‌دهند. آن‌ها با نفی آزادی خودشان، از مسئولیت خود نیز می‌گریزند. آن‌ها که تمایلی به انتخاب کردن ندارند، آگاهی خود را نسبت به این که کیستند، از دست می‌دهند و دچار احساس بی‌معنایی و بیگانگی می‌شوند. از سوی دیگر، افراد سالم سرنوشت خود را به چالش می‌کشند، آزادی خود را گرامی می‌دارند و با خود و دیگران، صادقانه زندگی می‌کنند. آن‌ها می‌دانند که مرگ، اجتناب ناپذیر است و جرأت زیستن در زمان حال را دارند. در این رویکرد سعی می‌شود فهرستی از صفاتی را که شخصیت فرد را تشکیل می‌دهند مشخص کنند. بر خلاف نظریه‌های روان‌تحلیلی در مورد شخصیت، نظریه وجودی به تفاوت‌های فردی در ویژگی‌هایی که در طول زمان و موقعیت‌های مختلف در یک فرد ثابت هستند، تاکید دارد. آلپورت برای استخراج صفات شخصیت، از دیکشنری‌های جامع انگلیسی استفاده کرد. از طریق این کتاب‌ها، محققان ابتدا ۱۸۰۰۰ کلمه که توصیف‌کننده شخصیت بود را استخراج کردند. آلپورت این صفات را به ۴۵۰۰ صفت شخصیتی، کاهش داد. سپس آن‌ها را ابتدا به دو دسته صفات فردی و مشترک تقسیم کرد و بعد از آن، طبقه بندی دیگری را شامل ۳ نوع صفت معرفی نمود. همچنین با روش تحلیل عاملی، ۱۶ صفت را به عنوان عوامل بنیادی شخصیت، مشخص کردند. این عوامل، توسط پرسشنامه شانزده عاملی شخصیت، مشخص می‌شوند و گاهی نیز به همین نام، شناخته می‌شوند. نیز سه بعد شخصیت را مشخص ساخته‌اند: برون‌گرایی در برابر درون‌گرایی، روان‌رنجورخویی در برابر ثبات هیجانی و روان‌پریشی خوبی در برابر کنترل تکانه. از نظر این شخصیت‌شناسان، این ابعاد تحت تأثیر وراثت بودند و عوامل محیطی اثر کمی بر آن‌ها داشت (گشمردی، ۱۳۸۸: ۵۲).

۵-۲- انواع شخصیت در پیوند با زبان‌آموزی

۱-۵-۲- تیپ کمالگرا

اشخاص کمال‌گرا ملاک‌های خیلی خیلی بالایی را برای موفقیت در نظر می‌گیرند و در صورتی که به آن اهداف بلندپروازانه نرسند، خودشان را شکست خورده میدانند. آن‌ها نسخه همه اتفاق‌های دنیا را با قانون «همه یا هیچ» می‌پیچند. برای کمال‌گراها نتیجه هر کاری یا شکست کامل است یا موفقیت کامل. دانش‌آموزی که موقع انتخاب رشته دانشگاهی، فقط دانشگاه‌های درجه یک را وارد برگ انتخاب رشته می‌کند، ورزش‌کار یا مربی‌ای که همه مساوی گرفتن‌ها را یک شکست مفتضح می‌داند، نقاشی که آن قدر نمایشگاه برگزار نمی‌کند تا موزه هنرهای معاصر بیاید سراغش و روزنامه نگار جوانی که تنها نوشتن در هم‌شهری جوان (آن‌ها که شوخی سرشان نمی‌شود بخوانند لوموند) راضی‌اش می‌کند؛ همه و همه نمونه‌های اشخاص کمال‌گرا هستند. ته تمام این ارمان‌های بالابند، یک ترس ظریف از شکست خوردن خوابیده است؛ ترسی که باعث می‌شود فرد همیشه در حالت تنش و استرس باشد. این تیپ شخصیتی اگرچه دارای ترس‌ها و اضطراب‌های مداوم به سبب هراس از نرسیدن به پیروزی هستند، اما به سبب ذات کمالگرا انسانهایی با نگاه به افق‌های آینده‌اند و به همین سبب در زبان‌آموزی نیز بسیار موفق هستند. در واقع زبان برای این دسته از افراد، کلیدی است برای رسیدن به کمالاتی که انتظار دارند و برآنند که از طریق توانش‌های زبانی، اهداف خویش را برآورده سازند (افروز، ۱۳۷۳: ۳۴، ۳۵).

۲-۵-۲- تیپ مهرطلب یا کمک‌کننده

این اشخاص دایم به فکر دیگرانند. خویش را به آب و آتش می‌زنند تا به سایرین کمک کنند. احتیاج به محبت و توجه دارند. قادر به «نه» گفتن، نیستند، زیرا از طرد شدن ترس دارند. افرادی وابسته و متکی به دیگرانند. حرمت ذات پایینی دارند و همواره به دنبال تأیید و تحسین دیگرانند. گونه دوم این افراد، اشخاصی هم‌دل، صادق، و بسیار با محبت هستند. بعلاوه آن‌ها بسیار خودمانی برخورد میکنند و سخاوتمند و فداکار هستند. ولی می‌توانند احساساتی، خودشیرین و مردم‌نواز هم باشند. این اشخاص بسیار خوش‌قلب بوده و به طرف سایرین جذب میشوند. ولی احتمال دارد به سمت انجام کارهایی برای افراد دیگر

بروند که آن‌ها محتاج به آن شوند. این افراد معمولاً با *possessiveness* و بیان نیازهای خود مشکل دارند. این اشخاص در بهترین حالت خود خواه نبوده و بشر دوست هستند. آن‌ها معمولاً بسیار به سایرین عشق می‌ورزند. این دسته از افراد زبان را ابزاری برای جلب محبت دیگران می‌دانند و به همین سبب در توانش‌های زبانی بسیار موفق هستند. آنها درک مطلب را در بهترین سطح ممکن انجام می‌دهند و انتقال مفاهیم نیز در این گونه شخصیت‌ها بسیار خوب و موفق است. در حقیقت افرادی که در این دسته قرار دارند، افراد بسیار موفقی در حوزه زبان و به ویژه در حوزه مهارت درک مطلب هستند. این دسته از افراد، زبان را ابزاری برای جلب محبت دیگران می‌دانند و به همین سبب در توانش‌های زبانی بسیار موفق هستند. آنها درک مطلب را در بهترین سطح ممکن انجام می‌دهند و انتقال مفاهیم نیز در این گونه شخصیت بسیار خوب و موفق است. در حقیقت افرادی که در این دسته قرار دارند، افراد بسیار موفقی در حوزه زبان و به ویژه در حوزه مهارت درک مطلب هستند (همان: ۳۵، ۳۶).

۳-۵-۲- تیپ پیشرفتگرا یا موفقیت‌جو

آن‌چه برایشان بیش از هرچیز اهمیت دارد، موفقیتشان است و برای پیش رفت، سخت کار می‌کنند و دست به هر اقدامی که لازم باشد، می‌زنند و جویای نام و مقام هستند. افرادی پُرکار و رقابت‌جو هستند و خویش را با کارهایی که انجام می‌دهند، می‌شناسند. همواره به فکر برنده شدن در موقعیت‌های رقابتی هستند. در رنگ عوض کردن، مهارت دارند. در حالت افراطی، به تیپ اول بدل میشوند. بیش‌ترین لذت را در کارکردن دارند. دنبال پول، پرستیژ و رفاه هستند و تلاش میکنند وارد مقوله‌های احساسی و عاطفی نشوند. این خطر در آنها هست که توجه به کار و موفقیت و رقابت با سایرین، بیش از توجه به خود و خانواده، اهمیت پیدا کند. تیپ موفقیت‌جو نیز از توانش‌های زبانی بسیار خوبی برخوردار است و این عده از افراد کمال‌گرا، هم توانایی‌های زبانی را بهتر می‌آموزند و به کار می‌گیرند. این دسته از افراد برای وصول به موفقیت در روابط خویش از توانایی درک مطلب بسیار خوبی بهره‌مند هستند و در کنار درک مطلب، از مهارت گفتار نیز در سطح بالایی برخوردار هستند (رحیم‌پور، ۱۳۸۷: ۵۸).

۴-۵-۲- تیپ رمانتیک محزون یا هنرمند

این اشخاص، خواستار اموری هستند که دردسترس نیست. ایده‌آل‌ها هیچوقت در اینجا و حالا نیست و به عبارتی آن‌چه دردسترس است، برایش بی‌ارزش است و آن‌چه را بدست آوردنش سخت است می‌خواهند. بسیار احساسی و زودرنج هستند. خویش را با حس سایرین درگیر میکنند و چون از تخیل بسیار نیرومندی برخوردارند، خودشان هم دچار همان حس‌ها می‌شوند. اکثر ناراحت و افسرده هستند و خلق متغیر دارند. اشتغال ذهنی آنها با گم شده‌هاست و عاشق غایب و امور ازدست‌رفته‌اند. از کارهای یکنواخت خسته می‌شوند و در صورتی که امکان آن باشد، ول خرج هستند. خواهان توجه هستند و عدم توجه، آنها را ناراحت میکند. ارتباط‌ها و جمع‌های یکنواخت، برایشان خسته‌کننده است. امور تاریک و ممنوع، مدام برای آنها جذابیت دارد. احساس زیبایی شناختی قوی‌ای دارند. تضادهای وجودی‌شان زیاد است. در بین‌تپ شخصیتی، حساس‌ترین تیپ شخصیتی را دارند و زندگی در کنار این اشخاص، مانند راه رفتن روی یخ است. در تیپ هنرمند هرچند که میل به افزایش توانایی‌های زبانی برای زینت کردن زبان و ایجاد ارتباط زیباتر با دیگران بسیار است، اما نوعاً این دسته از افراد دچار مشکلاتی در درک مطلب هستند، زیرا نوع ارتباطی که آنها در ذهن خود متصور هستند، با نوع ارتباطی که دیگران در عالم واقع پیگیر آن هستند، یکسان نیست و به همین دلیل است که این دسته افراد ممکن است در ایجاد ارتباط با دیگران دچار مشکلات فراوانی شوند و این مشکلات نخست در حوزه درک مطلب بروز می‌کند (گشمردی، ۱۳۸۸: ۶۱).

۵-۵-۲- تیپ فکور

این اشخاص بسیار در خویش فرو رفته یا درونگرا هستند (از بودن در جمع لذت نمی‌برند و اجتماع‌گریزند). قادر به ابراز احساسات خویش نیستند و معمولاً تمایل کمی برای ازدواج دارند. در کلاس معمولاً در ردیف آخر می‌نشینند تا همه را ببینند ولی دیگران وی را نبینند. دوست دارند دیده نشوند و نامریی باشند. همواره احساس را بعد از عقل تجربه می‌کنند. اهل کتاب خواندن و جمع‌آوری اطلاعات هستند و می‌خواهند از همه چیز سر در بیاورند. تیپ فکور در حوزه درک مطلب بسیار موفق عمل می‌کند، اما در حوزه انتقال محتوا ممکن است که دچار مشکلاتی شوند، زیرا این تیپ شخصیتی آنقدر در خود فرو رفته

است که ارتباطش با جهان خارج به مانند تیپ هنرمند ممکن است غیر واقعی باشد و آن تصور و تصویری که از جهان خارج و ارتباط خود با جهان خارج دارد، لزوماً واقعی نیست. بنابراین این دسته از افراد درک مطلب را بسیار خوب می آموزند، اما در انتقال مطلب و مهارت گفتاری ممکن است که دچار مشکلاتی باشند (کارشکی، ۱۳۸۷: ۵۴).

۶-۵-۲- تیپ وفاجو و شکاک

این اشخاص به همه چیز سوء ظن دارند. افرادی محتاط هستند. می خواهند بدانند که در ذهن سایرین راجع به آن ها چه می گذرد. نگران خیانت و بی وفایی دیگرانند. معمولاً استرس دارند و دوست دارند وظیفه آن ها در جایی که هستند معلوم و تعریف شده باشد. نوعی متعهد و مبتنی بر امنیت هستند. شش ها قابل اعتماد، سخت کوش و مسئولیت پذیر هستند. عیوب را بطور فوق العاده پیدا میکنند و مسایل را پیش بینی میکنند و همکاری foster دارند و میتوانند حالت دفاعی، گریزان، و مضطرب بگیرند و در حالی که شاکی از استرس زیاد هستند ولی در حالت استرس کار می کنند. آن ها میتوانند محتاط و دودل باشند ولی انفعالی، جسور، و مبارز باشند. این اشخاص به طور معمول با شک و سوء ظن بخود مشکل دارند. این اشخاص در بهترین وضعیت از نظر درونی پایدار، متکی به خود می باشند و شجاعانه از خویش و سایرین دفاع می کنند. تیپ شکاک در درک مطلب دچار ایی است و همچنین در انتقال محتوا نیز مشکلاتی قابل توجه دارد. این تیپ، مطالب را آن گونه که خود می خواهد، در می یابد و به همین سبب آنچه درمی یابد، لزوماً با آنچه از سوی گوینده صادر می شود، یکسان نیست. بنابراین تیپ شکاک به سبب آنکه همواره لایه ای زیرین را در ورای آنچه دیگران می بینند، می گوید در معرض اختلال های جدی در حوزه درک مطلب است و حتی در انتقال مطلب نیز مشکلات قابل توجهی دارد (کارشکی، ۱۳۸۷: ۴۸).

۷-۵-۲- تیپ خوش بین

دوری از درد. افرادی اجتماعی و رفیق باز هستند. معمولاً همه فن حریفند و در چند چیز مهارت دارند و بسیار خوش بینند. پیوسته به سایرین امید می دهند، نگران نباش همه چیز درست میشه. اهل بلوف زدن و خالی بندی و یا غلو کردن هم هستند. این تیپ، برونگرا، خوشبین، با استعداد، و با انگیزه هستند. آن ها صبور، جسور و عملگرا هستند ولی استعدادهای آن ها میتواند به هرز رود، بی اندازه پراکنده شده و نامنظم شوند. این اشخاص مرتب بدنبال تجربه های جدید و جالب هستند، ولی میتوانند با ادامه دادن پریشان و خسته شوند. آن ها معمولاً با مسائلی چون بی صبری و عجله کردن مشکل دارند. این اشخاص در بهترین وضعیت بر استعدادهای و اهداف ارزشمند خویش تمرکز میکنند، قدر دان، شاد و خرسند هستند. تیپ خوشبین از توانایی های زبانی خوبی برخوردار است و اساساً خوشبینی او علل زیادی دارد که یکی از این علل مهارت های زبانی اوست که باعث می شود ارتباط سالم تر و بهتری با غیر خود داشته باشد و به همین سبب با شناسایی تیپ خوش بینی می توان سرمایه زبانی کافی در حوزه زبان آموزی روی او گذاشت (اینانلو و نوروزی، ۱۴۰۰: ۱۴).

۸-۵-۲- تیپ چالشگر یا قدرت طلب

این اشخاص به دنبال قدرت و تسلط بر سایرین هستند. دوست دارند مدیر و رهبر باشند و دستور بدهند. بسیار کنترل کننده هستند و آمرانه با سایرین رفتار می کنند. تمایل به دیکتاتور بودن دارند. در صورتی که سایرین خصوصاً زیر دستان آنها، از آنان پیروی نکنند، سخت بر آشفته و عصبی می شوند. در عین حال حمایت کننده هم هستند و از زیردستان خویش حمایت می کنند، ولی به این شرط که آن اشخاص مطیع اوامر این افراد باشند. تیپ چالشگر به لحاظ تفهیم و تفاهم زبانی دچار مشکلاتی به نسبت دیگر تیپهاست و از آنجا که او زبان را آن گونه که در خدمت خودش باشد، به کار می گیرد، بنابراین به مانند تیپ شکاک در حوزه درک مطلب دچار مشکلاتی است که دیگر تیپها کمتر با آن برخورد خواهند داشت، اما او در حوزه انتقال مطلب می تواند بهتر عمل کند (اینانلو و نوروزی، ۱۴۰۰: ۱۵).

۹-۵-۲- تیپ صلح طلب و میانجی

این اشخاص دنبال آرامش و آشتی و صلح با دیگرانند. پیوسته میخواهند بین سایرین واسطه شوند تا بین آن ها آشتی برقرار کنند. افرادی انطباق پذیر و تابع هستند. از درگیری و خشونت خودداری می کنند و حتی شاید از آن می ترسند. نسبتاً تنبل هستند. در تصمیم گیریها مشکل دارند و آخرین تصمیم را درست نمی گیرند. تیپ صلح طلب نیز از روابط زبانی بسیار قابل

توجهی برخوردار است و هم در درک مطلب و هم در انتقال مطلب از مهارت‌های چشمگیری برخوردار است. اساساً شکل‌گیری شخصیت میانجی و صلح‌طلب در چنین اشخاصی، فرعی از توانایی‌های زبانی است که می‌تواند با دیگران به خوبی ارتباط برقرار کند و مطالب را درک کند و مطمئن باشد که توانش‌های زبانی او نیز به گونه‌ای است که دیگران هم مطالب او را درک می‌کنند (افروز، ۱۳۷۳: ۳۵).

۳- نتیجه‌گیری

زبان، ابزار تفهیم و تفاهم میان افراد بشر است و نه تنها ابزاری برای اندیشیدن است، بلکه ابزاری برای انتقال اندیشه و ایجاد تفاهم میان افراد بشر است. یک رکن بسیار مهم در توانش‌های زبانی که به جنبه تفهیم و تفاهم زبان برمی‌گردد، مسئله درک مطلب است. درک مطلب از توانایی‌های بسیار مهم زبانی است، اما آن چیزی که اغلب از آن غافل می‌شوند، این است که درک مطلب تنها مسئله توانش زبانی نیست، بلکه به شدت یک ویژگی شخصیتی است و برای آنکه به خوبی بتوان مهارت درک مطلب را در کودک پرورش داد، باید به ویژگی‌های شخصیتی او نگاه انداخت و بر اساس این ویژگی‌های شخصیتی درباره کودک برنامه‌ریزی کرد. بر اساس نظریه شخصیت، انسانها به تیپ‌های شخصیتی متفاوت و متعددی تقسیم می‌شوند که هر کدام در حوزه زبان و زبان آموزی توانایی‌های متفاوتی دارند. بنابراین در برنامه ریزی‌های آموزش زبان به طور عام و زبان انگلیسی به طور خاص باید به تفاوت‌های شخصیتی زبان‌آموزان توجه شود.

فهرست منابع

- افروز، غلامعلی. (۱۳۷۳). «مبانی روان شناختی کمروبی و روشهای درمان». *مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی*. شماره ۵۳، صص ۱۳-۴۰.
- اینانلو، فاطمه؛ سپیده، نوروزی. (۱۴۰۰). «فرایند کمک به دانش آموز با تن صدای پایین به علت عدم اعتماد به نفس و کم رویی». *ششمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در علوم انسانی و آموزش و پرورش*.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رحیم‌پور، مسعود. (۱۳۸۷). «کاوشی در تاثیر جنسیت و موضوع بر کنش گفتاری فراگیران زبان انگلیسی». *نشریه مطالعات و پژوهش‌های دانشکده ادبیات و علوم انسانی*. شماره ۵۲، صص ۴۵-۶۱.
- زاهدی، سکینه؛ فخری، زهرا. (۱۳۹۴). «تحلیل ساختار عاملی سیاهه راهبردهای یادگیری و مطالعه در دانشجویان». *دوفصلنامه پژوهش‌های آموزش و یادگیری*. شماره ۲، صص ۸۲-۶۷.
- کارشکی، حسین. (۱۳۸۷). «نقش الگوهای انگیزشی و ادراکات محیطی در یادگیری خودتنظیمی دانش‌آموزان پسر پایه سوم دبیرستانهای شهر تهران». *رساله دکتری روانشناسی تربیتی، دانشگاه تهران*.
- گشمدی، محمودرضا. (۱۳۸۸). «ویژگی‌های یادگیری زبان خارجی توسط فراگیران بزرگسال». *مجله پژوهش زبان‌های خارجی*. شماره ۵۳، صفحه ۱۰۷-۱۱۹.
- همایونی، سارا. (۱۳۹۷). «نقش ویژگی‌های شخصیتی در یادگیری زبان انگلیسی». *پنجمین همایش ملی روان‌شناسی مدرسه*.